

## خود تصویری

يقولون بافوا هم ما ليس في قلوبهم

بزبان آن گویند که در دل بدان

ایمان ندارند قرآن کریم

دنیای کنونی با همه پیشرفت‌های تکنیکی که عایدش شده ، گرفتار اضطراب و تشویش است ، در زمانی که فشانجیر می‌گردد ، نگرانی و دلهره نرسه یافته‌است ، می‌توان گفت ، امنیت خاطر و آمایش فکری با پیشرفت‌های صنعتی نسبت «عکوسی» دارد .

قطع نظر از اضطراب‌های عمومی ، افراد وقتی با یکدیگر تماس می‌گیرند اضطراب و دلهره بر کنار نمی‌باشند ، و این اضطراب از خود انسان سرچشمه گرفته او را رنج می‌دهد ، از باب مثال دانش آموزی که می‌خواهد امتحان شفاهی بدهد دچار بهم‌هراس می‌گردد ، کارمندی که می‌خواهد در برابر مهمانی گرامی‌وار احوال دهد ، با جوانی که بخواهد در مجلس شرکت جوید گرفتار عجزان‌های روحی می‌گردد .

شاید در رجع اول چنین بنظر رسد ، که این عارضه روحی بدون علت بوجود آمده ، خود بخود بر طرف خواهد شد ، و با اینهمه از لوازم دوران بلوغ بوده ، پس از گذشت زمانی ، از بین خواهد رفت .

مطالعات روانی این واقعت را آشکار می‌سازد ، که علاوه بر اینکه این پدیده همانند سایر خصوصیات روحی ، دارای علل و ریشه‌های واقعی می‌باشد ، آنچنان که گمان برده می‌شود ، سطحی و یک امر بیش یا افتاده نیست ، بلکه در زندگی انسان‌ها نقش مؤثری ایفاء می‌کند .

بسیاری از شکست‌ها و ناکامی‌ها معلول اضطراب‌ها و تشویش‌ها است ، عده‌ای هستند که اگر دچار دلهره و اضطراب نباشند ، در کار خود توفیق حاصل نمی‌نمودند ، ولی خود باختگیها مسیر زندگی آنان را تغییر داده است ، و شاید بتوان بجزات اعتراف کرد که زبان‌هایی

که از این رهگذر عاید انسان‌ها می‌گردد ، با بیماری‌های جسمی قابل مقایسه نیست ، برای پیمودن ریشه این بیماری باید بخود انسان مراجعه کرد ، چه سعادت‌ها و بدبختی‌ها

از کمون انسان سرچشمه می‌گیرد ، اگر روزی از کره‌خاکی ، انسان‌ها ممدوم گردند ، دیگر مفهومی برای خوشبختی و بدبختی وجود نخواهد داشت رفتار آدمیان است که خوبی و بدی‌ها می‌آفریند .

انسان همانند سگه دورومی باشد ، طرفی که دیده بشود ، وجهتی که در زیر پنهان است ، هرسانی از نظر روحی دارای جنبه های مثبت و منفی میباشد ، ولی همین انسان از نظر پیشرفت و ترقی همیشه سعی میکند از دیگران پیروی کند افرادی که کوچک و چه بزرگ همیشه در زندگی ، فردی را میتوان الگو قرار میدهند و سعی میکنند عملاً چنین قلمداد کنند که اوساقت آن فرد الگو را دارا میباشند .

بنابراین هر فردی دارای دو شخصیت است ، اول جنبه واقعی که آنرا «خود واقعی» مینامند ، دوم جنبه شخصیت خارجی که آنرا «خود تصویری» نام گذاشته اند .

در مواردی که توجه بیشتر به فاصله میان این دو خود یعنی «خود تصویری» و «خود واقعی» باشد ، نتیجه اش این خواهد بود که شخص تمام فکرش را صرف پر کردن این فاصله نمیشاند ، و تلاش دائمی بکار میبرد تا خود را بکمال برساند ، و در این صورت دید می شود که بیش از هر چیز ، کلمه «باید» را تکرار میکند ، «من باید شجاع باشم» «من باید فعال باشم» . (۱)

بنابراین هر فردی که با توجه به نقاط ضعف خود ، از نظر پیشرفت و تکامل بر اساس امکانات جسمی و روحی عدل و الگوئی را برای خود در نظر میگیرد ، چنین فردی پیرو جنبه انطاف داشته ، بتدریج جلو خواهد رفت ، چنین شخصی هیچ نوع اضطراب و نوسانی نخواهد داشت ، در برابر این جنبه باقراری بر خورده نمیکند ، که در اسلام با جنبه های ضعفی خود ، از قبیل نابسامانی وضع خانوادگی ، ضعف اقتصادی و کمبود امکانات! دچار خود باختگی شده ، اسألتهای خود را نادیده میگیرد ، چنین فردی دچار تزلزل روحی شده از انجام اموری که از نظر نیرو ، آمادگی دارد که آنرا انجام دهد ، پلای میزند ، او همانند سربازی است که بر اساس ترس ، روحیه خود را از دست داده نمیتواند از موقعیت سنگر و اسلحه خود استفاده کند برخلاف جوانان وقتی به کمبودهای خود نگاه میکنند ، از یک نقطه نظر آنرا نمی بینند ، میتوانند از دیگر نیروهای خلاقه خود استفاده نمایند و نخواهند داشت .

باز با افراد دیگری برخورد میکنیم ، که برخلاف گروه قبلی ، دارای تمرکز و توجه فوق العاده به الگوی خود ، عملاً چنین وانمود مینمایند که شخصیت ایشان قائد کمبود و تنگی است ، اضطراب و نوسان این عده برعکس ، از گروه اول بیشتر است ، زیرا اینان بیشتر به بازی هستند که با اسلحه تو خالی بجهتک دشمن شتافته اند ، دلهره و اضطرابی از این ناحیه است که می ترسد دشمن با سبب او پی برود ، یا اینکه او مراد مانند اشخاصی هستند که با قوت و فن آرایشگری صورت خود را در نوشتن کرده اند ، ولی هر لحظه بیم آن دارند که چهره «پتیده درسی» (۲)

روی همین اصل ، همواره یهودیان مانند دیگر اذاهل کتاب و پیروان ادیان ، از مساحت و بزرگواری اسلام ، برخوردار ، و در قلمرو آن ، از هر گونه آزادی معنوی و حقوق اجتماعی ، بهره منته بودند ،

در طول دوران عظمت و قدرت مسلمین ، دیگر یهودیان مجال برای خرابکاری و اعمال تشنه های تخریبی پیدا نکرده تاگزیر ، در نقاط مختلف سرزمینهای اسلامی ، بطور متفرق ، زندگی میکردند .

اما همپس آنکه حکومت نیرومند اسلامی ، در اثر بی لیاقتی زمامداران سلطان ، و کار بدانی دشمنان اسلام ، تجزیه گردید ، و هر منطقه ای بدست جاه طلبان افتاد . و اختلافات داخلی باوح شدت خود رسید ، در نتیجه قدرت و عظمت مسلمین ، رو به ضعف گذارد . یهودیان فرصت طلب ، تشنه های تخریبی خود را آغاز نمودند .

در سال ۱۸۹۷ حربه یهودی و مسیحی و در نخستین گنگر از سوی خود ، که در شهره پال سوئیس ، تشکیل یافته بود ، رسماً مقاسد شو و او هر یمنانه خود را بر ابراز داشت و پندار خامی را که مبنی بر فصب سرزمینهای اسلامی و ایجاد یک دولت مقتدر یهودی که وسعت خاکش ، بهمان اندازه ای باشد که تورات تحریف شده وعده داده است یعنی : از دریای مدیترانه تا افریقا و اسیا و آلمان ؛ تا رود نیل آشکار ساخت و در نتیجه پیش آمد آنچه که نباید پیش می آمد (۱)

(۱) برای بدست آوردن اطلاعات بیشتر ، در این خصوص در کتابهای : سرگذشت مسلمین در برابر فلسطین - پروتو کولات حکم نامه یهود

پیش از این ۳۸

واقعی شان در برابر دیگران آشکار گردد ، اینگونه اشخاص هر قدر موقعیت اجتماعی شان بیشتر باشد اضطراب و داهریشان بیشتر خواهد بود . در واقع این اشخاص دارای دو چهره متضاد میباشد . و این تضاد از این نظر است که مقداری صفات ناپسند در ذهنش میباشد ، و گمان میکند که آن فضا ئل را دارا است با آنکه با واقعیت خود فاصله زیادی دارد . هر قدر تصور آن افراد غیر واقعی باشند ، شخص را متزلزل و محتاج تصویب و تمجید دیگران میسازد .

انسانها برای خصالی که واقعا دارند ، محتاج تحسین و تصویب دیگران نیستند ، بلکه بخواهر سخانی که در آنها نیست ، یا لا اقل بان اندازه که آنها تصور میکنند نیست ، احتیاج به تأیید و تصویب دیگران داشته ، حساسیت نشان میدهد (۱) .

بنابر این در شئون زندگی ، هر قدر بیشتر بخود و صفات روحی آنها تکیه شود ، و یادید واقع بینانه روحیات خود را مورد بررسی قرار دهیم ، و در سددخبران و توقع آن باشیم از اضطراب و تنش و دورتر خواهیم بود ، و در نتیجه بهتر خواهیم توانست خود را با الگوهای اسول انبیای دهیم .

(۱) تضادهای روانی ص ۷۴ تألیف کارن هورنای